

همایش وحدت حوزه و دانشگاه بحث انسان خودنویس است مومن خوشنویس است

آیت الله شیخ علی رضایی تهرانی

دانشگاه علوم پزشکی گناباد

۱۴۰۳/۱۰/۰۴ هجری شمسی

۱۴۴۶/۰۶/۲۲ هجری قمری

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَنَتِيجَةُ الْعَالَمِ هَادِي السَّبِيلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لو كان الحسن شخصاً لكان فاطمة، بل هي أعظم، {إن فاطمة ابنتي خير أهل
الأرض عنصراً، وشرفاً، وكرماً}»
«قال الله تعالى في كتابه: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۚ»

آغازین سخن

باعث افتخار است که در این جمع محترم و در خدمت اساتید بزرگوار حوزه و دانشگاه از شهر مشهدالرضا (علیه السلام) حضور یافته‌ام. ضمن خیرمقدم به تمامی عزیزانی که با زحمت قدم در این محفل گذاشته‌اند، آرزو دارم که سخنانم به یاری خداوند حق و صواب بوده و برای حاضران علم نافع به همراه داشته باشد.

انسان به عنوان محور بحث

از همان لحظه‌ای که در این جلسه نشستم و گزارش‌ها را شنیدم، متوجه شدم که تمامی موضوعات به انسان بازمی‌گردد. اگر بناست که حوزه و دانشگاه اتحادی داشته باشند، هدف این اتحاد چیزی جز خدمت به انسان و رفع نیازهای او نیست؛ بنابراین، بحث اصلی من در این نشست درباره‌ی حقیقت انسان خواهد بود. ابتدا مقدماتی را مطرح می‌کنم و سپس وارد اصل موضوع می‌شوم. ان شاء الله سعی خواهم کرد از طولانی شدن بحث جلوگیری کرده و مباحث فنی را تا جایی که ممکن است ساده‌سازی کنم تا به بهترین نحو مورد درک قرار گیرد.

مقدمه اول: خودشناسی به عنوان مقدمه‌ی شناخت دیگران

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ^۱»، براین اساس، کسی که خویش را نشناسد، توانایی شناخت هیچ چیز دیگری را نیز نخواهد داشت. خودشناسی مقدمه‌ای برای دیگرشناسی است و علت آن روشن است؛ اگر فردی در شناخت خود که نزدیک‌ترین وجود به اوست ناکام بماند، در شناخت موجودات دیگر نیز که از او دورتر هستند ناتوان‌تر خواهد بود.

به بیانی دیگر، اگر فردی از خصوصیات ادراکی خود آگاهی نداشته باشد، شناخت او نسبت به جهان بیرونی همراه با خطا خواهد بود. مرحوم استاد شهید مطهری در کتاب ارزشمند «اصول فلسفه و روش رئالیسم» بارها تأکید

کرده‌اند که شناخت ذهن انسانی بنیان فلسفه است و بدون آن فلسفه‌ای نخواهیم داشت؛ در نتیجه، فلسفه‌های مضاف و دانش بشری نیز شکل نخواهند گرفت.

مقدمه دوم: اهمیت خودشناسی در شناخت خداوند

حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) همچنین فرموده‌اند: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ كَيْفَ يَعْرِفُ رَبَّهُ^۴»، و یا «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ^۵». این فرمایش نشان می‌دهد که برای شناخت خداوند، ابتدا باید خود را شناخت. بر اساس منطق قرآن کریم، خداوند از خود انسان به او نزدیک‌تر است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ اللَّهُ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ^۶». از این رو، شناخت خداوند به شناخت نفس انسان وابسته است و اهمیت خودشناسی را بیش‌ازپیش آشکار می‌کند.

نگاهی نقادانه به علوم انسانی غربی

متأسفانه، در علوم انسانی غربی باوجود آنکه موضوع انسان است، نگاه به انسان بریده از دین بوده و جامع و کامل نیست. حتی در روان‌شناسی که علمی به‌ظاهر کاملاً انسانی به نظر می‌رسد، موضوع روح به معنای مورد نظر در فرهنگ قرآنی، یعنی «نفسه الهی» که در آیه‌ی «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^۷» ذکر شده، جایگاهی ندارد. روح به‌عنوان موجودی مجرد که بیش از صد دلیل بر تجرد آن موجود است، علمای بزرگی چون مرحوم علامه حسن‌زاده آملی کتاب مفصلی به نام «عیون مسائل النفس» در این خصوص نگاشته‌اند. اما این نگاه در روان‌شناسی امروز جایگاهی ندارد و فاصله‌ای عمیق و معنادار میان آن‌ها وجود دارد.

اهمیت تعریف گونه‌ها و انسان

در گستره‌ی عظیم خلقت، خدای متعال گونه‌های بی‌شماری آفریده است. اگرچه آمار دقیقی در دست نیست، ولی جهان مملو از انواع گونه‌های گیاهی و حیوانی است. با این حال، شناخت حقیقت این گونه‌ها بسیار دشوار است. در علم منطق و فلسفه، تقریباً مسلم است که تعریف حقیقی اشیاء امری سخت و پیچیده است. به‌عنوان نمونه، ابن‌سینا، نابغه‌ی برجسته‌ی ایرانی، در رساله‌ی معروف خود «رساله الحدود» با چالشی عظیم روبرو می‌شود: تعریف گونه‌ها. او در این رساله حدود صد گونه را تعریف می‌کند، اما اذعان دارد که این کار، امری دشوار و پیچیده است. وقتی به انسان می‌رسیم، این پیچیدگی چندبرابر می‌شود، زیرا انسان از دیدگاه دینی ما، پیچیده‌ترین مخلوق الهی است.

عظمت انسان از دیدگاه الهی

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا^۸».

قرعه کار به نام من دیوانه زدند

آسمان بار امانت نتوانست کشید

این آیه نشان‌دهنده‌ی آن است که انسان بار امانتی را پذیرفت که آسمان‌ها و زمین از تحمل آن عاجز بودند. همچنین، خداوند در قرآن از زیبایی انسان یاد کرده و هنگام خلقت او فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ^{۱۰}»، اگر خداوند احسن الخالقین است پس انسان احسن المخلوقین است. براین اساس، انسان به‌عنوان زیباترین و پرظرفیت‌ترین مخلوق الهی معرفی شده است.

تعریف انسان از دیدگاه فیلسوفان و اندیشمندان

از دوران افلاطون تاکنون، تلاش‌های بسیاری برای تعریف صحیح انسان صورت گرفته است. در ابتدای طلبگی، به طلاب گفته می‌شود که تعریف انسان «الإنسان حیوان ناطق» است. این تعریف اجمالی بوده و تعریف تفصیلی‌تر

آن چنین است: «جوهر جسم‌نامی حساس متحرک بالاراده ناطق...» اما این تعریف‌ها نیز مورد نقد قرار گرفته‌اند. علامه طباطبایی و شهید مطهری (رحمت‌الله‌علیهما) ایراداتی بر این تعاریف وارد کرده‌اند. شهید مطهری تعریف انسان را تغییر داده و او را «حیوان فیلسوف» می‌داند؛ یعنی موجودی که توانایی درک معقول ثانی مانند علیت، حدوث و قدم را دارد.

آیت‌الله جوادی آملی نیز تعریف دیگری ارائه کرده و انسان را «حی متألّه» دانسته است؛ موجودی زنده که به دنبال الوهیت است. این تعاریف نو به دلیل پیچیدگی ذات انسان، همچنان در حال تکامل و تغییر هستند.

چالش‌های هوش مصنوعی و جایگاه انسان

در دنیای امروز، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی، هوش مصنوعی است. بشر همچنان در مواجهه با آینده‌ی این تکنولوژی (فناوری) دچار ابهام است. اگر هوش مصنوعی با تسلیحات ترکیب شود، نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. از سوی دیگر، سؤال اینجاست که آیا بشر باید به این مصنوع به عنوان معلم و مربی نگاه کند یا همچنان برتری خود را حفظ نماید، زیرا علت همیشه قوی‌تر از معلول است.

هدف از تعریف انسان

هدف این است که تعریفی از انسان ارائه شود که قابل بهره‌برداری در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی باشد.

به همین مناسبت و در ایام میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)، روح مطهر ایشان را یاد کرده و صلواتی بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تقدیم کنید.

انسان: موجود خودنویس و پویا

من معتقدم که انسان، موجودی «خودنویس» است؛ یعنی خودش، خود را می‌نگارد. در حقیقت، موجودات به دو دسته تقسیم می‌شوند: ایستاتیک و دینامیک؛ ایستا و پویا. انسان، موجودی متحول و پویاست که در این پویایی، تنها عامل تحول خود اوست. این ویژگی منحصر به فرد، سبب می‌شود که انسان سرنوشت و هویت خود را بنویسد؛ حال، مسئله این است که چگونه این نگارش را انجام دهد؟

این مسئله، هم در ساحت علم و هم در ساحت عمل قابل بررسی است. چه دانشگاه و چه حوزه‌های علمیه، هر دو دربردارنده‌ی علم و عمل هستند. از نگاه فلسفه، عرفان، قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، دانش با ذات انسان عجین می‌شود و این امر، مسجل و مسلم است.

ارتباط جان انسان با دانش

در طول تاریخ، دو نگاه متفاوت نسبت به ارتباط جان انسان با دانش وجود داشته است. نگاه نخست، نگاه پیشینیان است که معتقد بودند دانش، به صورت عرضی بر جان انسان می‌نشیند؛ یعنی انسان بدون تغییر در ذات خود، صرفاً به آموختن اطلاعات پرداخته و این دانش بر روی نفس عارض می‌شود. این نگاه، مورد پذیرش حکمت، صدر المتألهین، عرفان، قرآن کریم و دین نیست.

نگاه دوم، «اتحاد علم، عالم و معلوم» است. بر اساس این دیدگاه، وقتی انسان دانش می‌آموزد، وجود او گسترش پیدا می‌کند. دانش، هویت انسان را تغییر داده و او را متحول می‌سازد. همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ {فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ}».

هر ظرفی با پر شدن محدود می‌شود، مگر ظرف علم که ظرفیت نامحدودی دارد.

نقش علم در هویت و گستره وجودی انسان

دانش، نه تنها عوارضی بر نفس انسان نیست، بلکه هویت انسان را شکل داده و او را گسترش وجودی می‌دهد. برخلاف دیدگاه‌های دیگر که علم را اطلاعاتی بیگانه از جان انسان تلقی می‌کنند، دانش حقیقی، جان انسان را پرورش داده و او را به تعالی می‌رساند. همان‌طور که در شعر معروف آمده است:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای

مابقی خود استخوان و ریشه‌ای ۱۲

با این نگاه، داده‌هایی که تخریب‌کننده شخصیت انسان هستند و نفعی ندارند، هرگز به عنوان علم تلقی نمی‌شوند.

اهمیت منبع دانش و پرهیز از علم بی نفع

از منظر دین، داده‌هایی که انسان را تخریب می‌کنند، علم محسوب نمی‌شوند. همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده‌اند: «رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ {وَعِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ} ۱۳». بسیاری از عالمان به خاطر جهالتشان نابود شده‌اند. همچنین، در دعای پس از نماز واجب، می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ ۱۴»، این نشان‌دهنده اهمیت دانش مفید است.

علاوه بر این، قرآن کریم تأکید دارد که انسان باید منبع دانش خود را بشناسد: «فِي قَوْلِ اللَّهِ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ قَالَ قُلْتُ مَا طَعَامُهُ قَالَ عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ مِمَّنْ يَأْخُذُهُ ۱۵»، امام باقر (علیه السلام) نیز فرموده‌اند: یعنی علم را باید از چه کسی اخذ کرد.

نتیجه‌گیری

دانش حقیقی، نه تنها با جان انسان گره می‌خورد، بلکه هویت او را می‌سازد و ظرفیت وجودی او را گسترش می‌دهد. از این رو، توجه به منابع دانش و پرهیز از داده‌های بی نفع، کلیدی‌ترین عامل در پرورش شخصیت انسان است.

اهمیت تفکر در معقولات

اهل بیت (علیهم السلام) در جمله‌ای مشهور می‌فرمایند: «عَجَبُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُؤِلَهُ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ ۱۶».

این بیان، تعجب آنان از افرادی است که در مورد غذاهای مصرفی خود دقت زیادی می‌کنند، اما نسبت به تفکر و دقت در معقولات خود بی‌توجه هستند. برای مثال، وقتی فردی گرسنه است و می‌خواهد غذایی بخورد، حتی در انتخاب محل غذاخوری دقت زیادی می‌کند که غذا سالم و غیرآلوده نباشد. اما همین دقت و وسواس را در انتخاب و پذیرش معقولات خود به کار نمی‌برد.

محدودیت ذهن انسان

استاد بزرگوار، حضرت آیت‌الله جوادی آملی، در بیانی حکیمانه مطرح کرده‌اند که ظرفیت ذهن انسان، مانند توانایی جسمی او محدود است. همان‌طور که بدن قادر به تحمل هر نوع فشار و بار نیست، ذهن نیز ظرفیت مشخصی دارد. این محدودیت ذهنی انسان نشان‌دهنده اهمیت مدیریت و گزینش اطلاعات و تفکراتی است که به ذهن راه پیدا می‌کنند؛ بنابراین، هر انسانی باید بررسی کند که چه چیزی را حفظ می‌کند و در مورد چه موضوعاتی تفکر می‌نماید، زیرا عمر و زمان محدود است.

علم: کاشت در جان انسان

نکته‌ی اول این است که انسان «خودنویس» است؛ یعنی هر فرد، خود را می‌نگارد و زندگی خود را می‌سازد. از منظر دانش، رابطه‌ی علم با انسان، رابطه‌ای عمیق و بنیادین است، نه سطحی و عرضی. علم، به عنوان بذری در جان انسان کاشته می‌شود و موجب رشد و تحول در ذات او می‌گردد، نه صرفاً افزوده‌ای بیگانه بر نفس انسان.

تأثیر جهان‌بینی بر رفتار

همان‌طور که علم بر ذات انسان تأثیرگذار است، عمل نیز از این قاعده تبعیت می‌کند. رفتار انسان، معمولاً ریشه در ایدئولوژی و اعتقادات او دارد، و این اعتقادات نیز بر اساس جهان‌بینی او شکل گرفته‌اند. طبیعی است که رفتار یک کمونیست با رفتار یک مؤمن عارف کاملاً متفاوت باشد؛ زیرا جهان‌بینی این دو نفر، اساساً متفاوت

است و این تفاوت به ایدئولوژی و سپس به رفتار آن‌ها منتقل می‌شود.

نتیجه‌گیری

درک اهمیت علم و عمل به عنوان عناصر سازنده‌ی هویت انسان، ضروری است. علم باید با جان انسان گره بخورد و رفتار باید بازتاب اعتقادات و جهان‌بینی فرد باشد. در این مسیر، هر فرد مسئول است که به دقت انتخاب کند چه می‌آموزد، چه می‌پذیرد و چه رفتاری از خود نشان می‌دهد.

تأثیر علم، ادراک و اعتقاد بر نفس انسان

بر اساس آموزه‌های اخلاقی، تکرار رفتار سبب ایجاد ملکه در نفس انسان می‌شود. همان‌گونه که علامه طباطبایی فرموده‌اند، ملکات انسان، منشأ عذاب یا ثواب هستند. قرآن کریم نیز، به طور شفاف بیان می‌کند که عذاب و ثواب صرفاً مفاهیمی جدا از ذات انسان نیستند، بلکه به تکوین و سرشت او مرتبط هستند. دین، حقوق و دستورالعمل‌های زندگی، همگی بر اساس تکوین قرار دارند و انسان باید سرشت خود را اصلاح کند.

تجسم اعمال و اثر رفتار

قرآن کریم به وضوح تأکید دارد که اعمال انسان، جزئی جدایی‌ناپذیر از ذات او هستند. به عنوان نمونه، آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكُونُونَ أَمْوَالًا آلِيَتًا مِّمَّا ظَلَمُوا يَكُونُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا؛ ۱۷» این آیه نشان می‌دهد که خوردن مال یتیم، همان خوردن آتش است و همین آتش در روز قیامت، درون جان انسان را می‌سوزاند. قرآن با مفهوم «تجسم اعمال» بیان می‌کند که اعمال انسان به شکل موجوداتی زنده مجسم می‌شوند و در روز قیامت، انسان‌ها را می‌سوزانند.

تجسم وحوش در قیامت

یکی از آیات شگفت‌انگیز قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ؛ ۱۸»

علما در فهم این آیه تأمل کرده‌اند، چرا که وحوش در قیامت نمایان می‌شوند. این حیوانات، در واقع تجسم انسان‌هایی هستند که در زندگی به صفات وحشی مانند پلنگ، گرگ و شیر تبدیل شده‌اند. این تجسم‌ها نمادی از اعمال انسان‌ها در دنیا هستند و نشان‌دهنده‌ی تأثیر مستقیم رفتار بر ذات آنان است.

تجسم اعمال در دنیا

{ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لِلْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَكْثَرَ الْحَجِيجَ وَأَعْظَمَ الضَّجِيجَ فَقَالَ بَلْ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَأَقَلَّ الْحَجِيجَ أَتُحِبُّ أَنْ تَعْلَمَ صِدْقَ مَا أَقُولُ وَتَرَاهُ عَيْنَانَا فَمَسَحَ عَلَى عَيْنَيْهِ وَدَعَا بِدَعَوَاتٍ فَعَادَ بَصِيرًا فَقَالَ أَنْظِرْنَا يَا أَبَا بَصِيرٍ إِلَى الْحَجِيجِ قَالَ فَتَنَظَرْتُ فَإِذَا أَكْثَرُ النَّاسِ قَرْدَةٌ وَخَنَازِيرٌ وَالْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ كَالْكَوْكَبِ اللَّامِعِ فِي الظَّالِمَاءِ فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ صَدَقْتَ يَا مَوْلَايَ مَا أَقَلَّ الْحَجِيجَ وَأَكْثَرَ الضَّجِيجَ ثُمَّ دَعَا بِدَعَوَاتٍ فَعَادَ ضَرِيرًا فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ فِي ذَلِكَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا بَخِلْنَا عَلَيْكَ يَا أَبَا بَصِيرٍ وَإِنْ كَانَ اللَّهُ تَعَالَى مَا ظَلَمَكَ وَإِنَّمَا خَارَلَكَ وَخَشِينَا فِتْنَةَ النَّاسِ بِنَا وَأَنْ يَجْهَلُوا فَضْلَ اللَّهِ عَلَيْنَا وَيَجْعَلُونَا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدٌ لَا نَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا نَسْأَلُ مَنْ طَاعَتِهِ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ ۱۹ }

داستانی از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام) نشان‌دهنده‌ی همین مفهوم است. حضرت در حج، با ابوبصیر مواجه شدند او گفت: «مَا أَكْثَرَ الْحَجِيجَ وَأَعْظَمَ الضَّجِيجَ». اما امام فرمودند: «مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَأَقَلَّ الْحَجِيجَ»، و با دست‌کشیدن بر چشم ابوبصیر، او را قادر به دیدن حقیقت کردند؛ و او مشاهده کرد که اکثر جمعیت به صورت

حیوانات بودند. این بیان، روشن می‌کند که اعمال انسان‌ها در همین دنیا نیز، هویت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نقش علم و عمل در سازندگی انسان

آنچه در نهایت هویت انسان را شکل می‌دهد، نیات، ملکات، علم و اعمال او هستند. علم و عمل، هر دو با جان انسان گره خورده و می‌توانند او را به تعالی برسانند یا او را تخریب کنند. به همین دلیل، توجه به کیفیت علم و منبع آن، و همچنین اصلاح اعمال و نیات، برای ساخت هویت انسان ضروری است.

آیت‌الله بهاء‌الدینی و معنویت در سیروسلوك

خداوند آیت‌الله بهاء‌الدینی را رحمت کند، شخصیتی برجسته از قم که به معنویت و سیروسلوك شهرت داشت. ایشان در دوران جوانی، از خداوند متعال تقاضایی کرد و نتیجه‌ی آن، باز شدن چشم برزخی ایشان بود که موجب می‌شد برزخ افراد را مشاهده کند. این ویژگی چنان بارز بود که طلابی که پشت سر ایشان نماز می‌خواندند، پیش از ورود به حسینیه، مکرراً ذکر «یا ستار» می‌گفتند. باین‌حال، ایشان می‌فرمودند: «فایده ندارد، بیا داخل!» و آنچه باید می‌دیدند، می‌دیدند.

پرده‌برداری از حقیقت در حرم امام رضا (علیه‌السلام)

یکی از زائران حرم امام رضا (علیه‌السلام) که حال خوشی داشت، ناگهان پرده از جلوی چشمانش برداشته شد و متوجه شد بسیاری از اطرافیانش انسان نیستند. او با اضطراب نزد فردی که گوشه صحن سلمانی می‌کرد و انسان بودنش را می‌دید، آمد و علت این وضعیت را پرسید. آینه‌ای به او داد و مشاهده کرد که خودش نیز به شکل حیوان است. این داستان نشان می‌دهد که علم و عمل انسان، به ذات او گره خورده‌اند و هرگونه تفکر خلاف این حقیقت، اشتباه است.

آیات قرآن در تبیین خودسازی

قرآن کریم انسان را به خودسازی و تمرکز بر ذات خود دعوت می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۲۰»

این آیه تأکید دارد که هر انسانی باید به خویشتن خویش پردازد و از گمراهی دیگران متأثر نشود. علامه طباطبایی (رحمت‌الله‌علیه) در تفسیر المیزان نیز، به این موضوع پرداخته و تأکید کرده‌اند که انسان در ذات خود، همچون تار تنیدن، عمل می‌کند.

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۝۲۱»

این بیان نشان می‌دهد که اعمال انسان، به ذات او بازمی‌گردد. همان‌طور که مشهور است:

هرچه کنی به خود کنی
گر همه نیک و بد کنی

انسان خودنویس و مؤمن خوش‌نویس

انسان، موجودی خودنویس است که خود را نگاشته و هویتش را شکل می‌دهد. اما مؤمن، نه تنها خودنویس است، بلکه خوش‌نویس نیز هست؛ زیرا کردار و گفتار او بر اساس اصول اخلاقی و ایمانی استوار است. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) فرمودند: «لَوْ كَانَ الْحَسَنُ شَخْصًا

﴿أَوْ هَيْئَةً﴾ لَكَانَ فَاطِمَةُ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ ۝۲۲»

این توصیف، جایگاه والای اخلاق ایمانی و توحیدی حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) را نشان می‌دهد، تا جایی که غضب او، غضب خداوند و رضایت او، رضایت خداوند است.

عبادت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)

امام صادق (علیه‌السلام) درباره حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) فرموده‌اند: «قَامَتْ أَمْنَا فَاطِمَةُ فِي مَصْلِيهَا حَتَّى تَوَرَّمت قَدَمَاهَا ۝۲۳»

این روایت نشان‌دهنده‌ی عبادت خالصانه و بی‌نظیر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) است، به‌طوری‌که پاهای ایشان به علت طولانی‌بودن ایستادن برای عبادت، متورم شدند. عبادت، علم، عمل، شوهرداری و فرزندداری ایشان، به‌هیچ‌وجه قابل‌مقایسه با دیگران نیست. در واپسین لحظات زندگی، ایشان به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) گفتند: «وما خالفتک فی شیء».

این بیان، حکایت از آن دارد که در هیچ امری با امیرالمؤمنین مخالفت نکردند، درحالی‌که ایشان تجسم غیرت بودند.

تجسم صفات اخلاقی ائمه معصومین

اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان تجسم صفات عالی اخلاقی شناخته شده‌اند. به‌عنوان نمونه:

۱. اگر حلم {یا فضل} مجسم می‌شد، امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) بود:

«لو کان الحلم {أو الفضل} شخصاً لکان الحسن {أو علیاً} ۲۴»

۲. اگر حیا مجسم می‌شد، امام حسین (علیه‌السلام) بود:

«لو کان الحیا صورةً لکان الحسن ۲۵»؛

۳. اگر کار پسندیده مجسم می‌شد، انسانی زیبا بود: امام حسین (علیه‌السلام) در مسیر مکه به کربلا فرمودند:

«فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا {جَمِيلًا يَسُرُّ النَّاطِرِينَ وَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمُؤْمَرَاءَ لَرَأَيْتُمُوهُ سَمِجَانًا مَشَوْهَا تَنْفِرُ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَتَغْضُ دُونَهُ إِلَّا بَصَارُ ۲۶}».

این صفات بیانگر عظمت اخلاق و عمل آنان است، و قرآن کریم نیز تأکید می‌کند که هدف از خلقت انسان،

سنجش زیباترین اعمال اوست: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغُفُورُ ۲۷».

خودنویسی انسان و نقش ایمان

انسان موجودی است که لحظه‌به‌لحظه خود را نگاشته و هویتش را شکل می‌دهد. اما مؤمن، خود را زیبا می‌نویسد؛ این امر وجه تمایز مؤمن از سایر انسان‌هاست. تمام تلاش جامعه‌ی الحاد در این جهت است که انسان را از هویت خود خالی کند. همان‌طور که دکتر الکسی کارل ۲۸ در کتاب «انسان موجود ناشناخته» اشاره کرده است، انسان در شناخت خود لنگ می‌زند و همین نقص، سبب عدم شناخت درست سایر موجودات می‌شود.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز این مهم را با دعای مشهور خود مطرح کرده‌اند: «اللَّهُمَّ ارِنَا الْأَشْيَاءَ {الْحَقَائِقَ} كَمَا هِيَ ۲۹».

خدایا اشیاء را همان‌گونه که هستند برای من نمایان کن. بفهمیم آنچه غیر از خداست توی مشت خداست و عین ارتباط با خداست و ما باید بتوانیم خود را زیبا بنویسیم

وحدت حوزه و دانشگاه و آینده علمی کشور

خاطره‌ای از دکتر سید جعفر شهیدی بیانگر چالش‌های وحدت حوزه و دانشگاه است. ایشان با طنز در پاسخ گلایه‌ای که از ایشان کردم اشاره کرده‌اند که بی‌نظمی حوزه به دانشگاه انتقال یافته و مدرک‌گرایی دانشگاه وارد حوزه شده است. این مسئله ضرورت بازنگری در تعامل این دو نهاد علمی را نشان می‌دهد.

انشاءالله حوزه و دانشگاه در هم تنیده عمل کند زیرا حوزه و دانشگاه، دو بال علمی و عملی کشور هستند. اما حوزه‌ها در جذب نوجوانان خوش‌ذهن با مشکل مواجه‌اند. اگر بخواهیم شخصیت‌هایی چون شهید مطهری، شهید بهشتی و علامه طباطبایی (رحمت‌الله‌علیهم) تربیت کنیم، باید افراد با استعداد بالا وارد حوزه‌های علمیه شوند. باین‌حال، جذب چنین افرادی به حوزه دشوار است، و نیازمند همکاری دانشگاهیان برای تشویق دانشجویان مستعد و مذهبی به ورود به حوزه‌های علمیه هستیم.

درخواست از دانشگاهیان

دو تن از مراجع تقلید، آیت‌الله بهجت و آیت‌الله شبیری زنجانی، فتوا داده‌اند که بر نوجوانان شیعه‌ی خوش‌ذهن،

ورود به حوزه‌های علمیه واجب است. حوزه‌های علمیه با کمبود روحانیان فاضل، اسلام‌شناس و اندیشمند مواجه‌اند. از دانشگاهیان تقاضا می‌شود که دانشجویان مستعد با انگیزه را برای ورود به حوزه راهنمایی کنند. حوزه‌های علمیه نیز آمادگی دارند که از آنان استقبال کرده و در این مسیر همراهی کنند. منصور باشید موفق باشید اگر اطلاع کلام کردم عذرخواهی می‌کنم برای سلامتی خودتان صلواتی عنایت بفرمایید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.»

فهرست منابع

۱. بحرانی، عبد الله بن نور الله و موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، «عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال»، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ج ۱۱، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.
۲. سوره عبس، آیه ۲۴.
۳. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، آمدی، عبدالواحد بن محمد، و رجایی، مهدی. ۱۴۱۰-۱۹۹۰. غرر الحکم (تصحیح رجایی). ۱ ج. قم - ایران: دار الکتاب الإسلامی، ص ۵۱۸.
۴. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، آمدی، عبدالواحد بن محمد، و رجایی، مهدی. ۱۴۱۰-۱۹۹۰. غرر الحکم (تصحیح رجایی). ۱ ج. قم - ایران: دار الکتاب الإسلامی، ص ۴۶۱.
۵. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، آمدی، عبدالواحد بن محمد، و رجایی، مهدی. ۱۴۱۰-۱۹۹۰. غرر الحکم (تصحیح رجایی). ۱ ج. قم - ایران: دار الکتاب الإسلامی، ص ۵۸۸.
۶. سوره انفال، آیه ۲۴.
۷. سوره ص، آیه ۷۲.
۸. سوره احزاب، آیه ۷۲.
۹. دیوان حافظ، غزل شماره ۱۸۴.
۱۰. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.
۱۱. صالح، صبحی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۴۱۴. نهج البلاغه (صبحی الصالح). ۱ ج. قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة، ص ۵۰۵.
۱۲. مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۹.
۱۳. صالح، صبحی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۴۱۴. نهج البلاغه (صبحی الصالح). ۱ ج. قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة، ص ۴۸۷.
۱۴. کراجکی، محمد بن علی و نعمه، عبد الله، «کنز الفوائد»، کنز الفوائد. ج ۱، صفحه ۳۸۵.
۱۵. محدث، جلال الدین، و برقی، احمد بن محمد. بدون تاریخ. المحاسن. ۲ ج. قم - ایران: دار الکتاب الإسلامی، ج ۱ ص ۲۲۰.
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۱۸.
۱۷. سوره نساء، آیه ۱۰.
۱۸. سوره تکویر، آیه ۵.
۱۹. رسولی، هاشم، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، و آشتیانی، محمدحسین. بدون تاریخ. المناقب (ابن شهر آشوب). ۴ ج. قم - ایران: علامه، ج ۴، ص ۱۸۴.
۲۰. سوره مائده، آیه ۱۰۵.
۲۱. سوره اسراء آیه ۷.
۲۲. بحرانی، عبد الله بن نور الله و موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، «عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال»، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ج ۱۱، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۲۳. نزدیک به این مضمون از حسن بصری نقل شده است؛ رسولی، هاشم، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، و آشتیانی، محمدحسین. بدون تاریخ. المناقب (ابن شهر آشوب). ۴ ج. قم - ایران: علامه، ج ۳، ص ۳۴۱.
۲۴. با اندکی تغییر؛ ابن شاذان، محمد بن احمد، «مائه منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن ابي طالب و الأئمة من ولده عليهم السلام من طريق العامة»، مدرسه الامام المهدي عليه السلام، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.
۲۵. با اندکی تغییر؛ ابن شاذان، محمد بن احمد، «مائه منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن ابي طالب و الأئمة من ولده عليهم السلام من طريق العامة»، مدرسه الامام المهدي عليه السلام، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.
۲۶. برای مطالعه بیشتر رک به سبحانی تبریزی، جعفر، رسولی، هاشم، و اربلی، علی بن عیسی. ۱۳۸۱. کشف الغمة فی معرفة الأئمة. ۲ ج. تبریز - ایران: بنی هاشمی، ج ۲، ص ۳۰.
۲۷. سوره ملک، آیه ۲.
۲۸. Alexis Carrel.
۲۹. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، مرعشی، شهاب الدین، و عراقی، مجتبی. ۱۴۰۳-۱۹۸۳. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. ۴ ج. قم □ ایران: مؤسسه سید الشهداء (ع)، ج ۴، ص ۱۳۲.